

## بررسی وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فردی انسان‌ها

روح‌الله رهامی\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۴)

### چکیده

امنیت فردی با تأکید بر «در امان بودن جسم و جان فرد از آسیب‌ها و خشونت‌های شخصی» به‌عنوان یکی از ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی در گزارش سال ۱۹۹۴ توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ریشه در حق حیات، کرامت ذاتی انسان‌ها و دو حق بشری حق بر امنیت و حق بر تأمین تمامی انسان‌ها و اعضای جامعه بشری دارد. اهمیت این حقوق انسانی موجب آن شده است که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق بشر، جایگاه ویژه‌ای در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشری و همچنین قوانین اساسی کشورها به خود اختصاص داده‌اند. دولت‌ها که از ابتدا به‌عنوان نهادی جهت حفظ و حراست از انسان‌ها پدید آمده بودند، در گستره این اسناد الزام‌آور ملی و بین‌المللی، تعهدات گسترده‌ای برای تأمین امنیت فردی انسان‌ها عهده‌دار شده‌اند. در پرتو این متون بین‌المللی می‌توان سخن از تحول بنیادین وظیفه دولت‌ها در خصوص امنیت فردی انسان‌ها راند زیرا دولت‌ها که در تلقی سنتی، در خصوص امنیت فردی شهروندان خویش تعهداتی بر عهده داشته‌اند، در این تلقی نوین با تحول مفاهیم و تعهدات بین‌المللی و همچنین با ظهور گفتمان حقوق بین‌المللی بشر و الگوی امنیت انسانی، تعهدی انسانی و فراملی به حفظ امنیت تمامی انسان‌ها یافته‌اند. در نتیجه، به لحاظ ارتباط حیاتی امنیت فردی برای انسان‌ها، دولت‌ها مکلف و ملزم به حفظ آن برای تمامی افراد اعم از تابعان خویش و دیگر افراد انسانی به لحاظ جایگاه انسانی و کرامت ذاتی انسانی آن‌ها هستند.

کلیدواژگان: امنیت فردی، دولت، امنیت انسانی، حق بر امنیت، حق بر تأمین

## مقدمه

ضعف انسان در برابر حوادث طبیعی و در مقابل دیگر انسان‌ها و در پی آن، نیاز آدمی به ایجاد نظام اجتماعی برای حفظ امنیت فردی، یکی از مهم‌ترین دلایل پدید آمدن جوامع انسانی است. در نتیجه سخن به گزاف نیست اگر ادعا شود حفظ امنیت فردی یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها است. این وظیفه دولت در تمامی ادوار وجود داشته است و دولت‌ها همواره ملزم به تأمین امنیت اتباع خویش در برابر تجاوزات دیگر دولت‌ها (حمله نظامی) و دیگر انسان‌ها (مجرمین) بوده‌اند. این تعهد ذاتی دولت‌ها با گسترش گفتمان حقوق بشر، ابعاد و گستره جدیدی نیز یافته است به گونه‌ای که توجه به حق بر تأمین (امنیت حقوقی - قضایی) در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارهای مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا موهن، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در خصوص حقوق بشردوستانه و همچنین قوانین اساسی کشورها، گویای اهمیت جهانی این بُعد از حقوق انسانی است.

نوشته حاضر به این پرسش اصلی می‌پردازد که با توجه به تحولات دنیای نوین در این تعهد و وظیفه سنتی دولت‌ها چه تحولی رخ داده است؟ به بیان دیگر در دنیایی که در آن تهدیداتی که امنیت فردی انسان‌ها را تهدید می‌نمایند دگرگون گشته‌اند، در مسئولیت دولت در حمایت از اتباع خویش چه تغییری به وجود آمده است؟ برای پاسخ به این پرسش اصلی می‌توان دو پرسش فرعی مطرح نمود: ۱) آیا همچنان تأکید بر مجازات تجاوزکنندگان به امنیت دیگران (مجرمین) و دفاع از اتباع در برابر حمله نظامی دیگر دولت‌ها برای حمایت و حراست از امنیت شخصی اتباع انسانی یک کشور کفایت می‌کند؟ ۲) علی‌رغم جهانی شدن تهدیدات علیه حیات و جسمانیت انسان‌ها، آیا تعهد یک دولت به حفاظت از امنیت اتباع خویش پاسخ‌گوی تحولات دنیای معاصر است؟

برای پاسخ به پرسش‌های فوق و با توجه به دو بُعد مهم تحول تعهد دولت (تحول از جنبه ماهیت و گستره تعهد) به تبیین این دو بُعد پرداخته خواهد شد. در گفتار نخست با بهره‌گیری از اسناد الزام‌آور حقوقی، ابعاد وظیفه دولت‌ها در تأمین این حق بشری تبیین می‌شود. پس از بررسی نظری، تحول در ماهیت تعهد دولت (فرا رفتن از صرف تعهد سلبی و تأکید بر جنبه ایجابی و مثبت تعهد دولت) تبیین خواهد شد. با در نظر گرفتن این تعهد ملی و فراملی برای دولت‌ها، در گفتار دوم به بررسی وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فردی انسان‌ها در دو سطح ملی و بین‌المللی پرداخته خواهد شد. با توجه به اینکه در سطح بین‌المللی در شرایطی همچون

مخاصمات مسلحانه ممکن است امنیت فردی به مخاطره افتد و یا در سطح ملی توسط عوامل دولتی یا غیردولتی این امنیت در معرض تهدید و نقض قرار گیرد، در گفتار دوم جنبه‌های مختلف نقض امنیت فردی و وظیفه دولت‌ها در قبال آن بررسی می‌شود.

## ۱. ماهیت وظیفه دولت

اهمیت عدم تعرض به تمامیت جسم و جان در تمامی نظام‌های حقوقی و در طول تاریخ، متأثر از درجه اهمیت حفظ جان و تمامیت جسمانی برای تمامی انسان‌هاست. با تغییر نگرش به مفهوم امنیت از سوی صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه امنیت پژوهی<sup>۱</sup> و ظهور الگوی امنیت انسانی که با تکیه بر دو عنصر رهایی از ترس و رهایی از نیاز، بر حفظ امنیت انسان‌ها به‌عنوان مرکز ثقل مفهوم امنیت تأکید می‌نمود، امنیت فردی در کنار دیگر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده امنیت انسانی، در قالبی نو مجدداً در محوریت عناصر امنیت، مورد توجه امنیت‌پژوهان قرار گرفت.

برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> در گزارش توسعه انسانی<sup>۳</sup> سال ۱۹۹۴ خویش، امنیت فردی را به «در امان بودن جسم و جان افراد از آسیب‌ها و خشونت‌های شخصی»<sup>۴</sup> تعریف نموده است. حقوق‌دانان نیز امنیت فردی<sup>۵</sup> را این‌گونه تعریف نموده‌اند:

«مقصود از امنیت شخصی یا مصونیت فردی یا آزادی فردی به معنای اخص کلمه این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیرقانونی و خودسرانه یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک و بهره‌کشی و بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد»<sup>۶</sup>.

### 1. Security Studies

۲. برنامه توسعه سازمان ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خویش امنیت انسانی را بر ۷ مؤلفه امنیت فردی، امنیت بهداشتی، امنیت غذایی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت زیست‌محیطی به جهانیان معرفی نمود.

United Nations Development Programme, *Human Development Report* (New York: 1994, Oxford University Press).

3. HDR: Human Development Report.

4. UNDP: United Nations Development Programme.

۵. برخی نویسندگان اصطلاح «امنیت شخصی» را مترادف امنیت فردی به کار برده‌اند. برای نمونه، ن. ک: منوچهر طباطبائی مؤتمنی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸) ص؛ ۵۷. در نوشتار حاضر نیز این دو اصطلاح مترادف و در یک معنی به کار برده می‌شوند.

۶. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸) ص؛ ۵۷.

## ۱-۱. مبانی فلسفی وظیفه دولت

امنیت شخصی به واسطه ارتباط مستقیمی که با حفظ جان و تمامیت جسمانی آدمی دارد، از بیشترین اهمیت برای هر فردی برخوردار است و در تمامی ادیان، مورد توجه و نقض آن توسط هر فرد دیگری، مستوجب بالاترین مجازات‌ها است.<sup>۲</sup> هر دین و آیینی با اتکا به روش‌های پذیرفته شده خود به شدت با نقض آن مقابله می‌نماید<sup>۳</sup> و افراد را از طریق مجازات‌های دنیوی و اخروی از تعدی و تجاوز به حریم امنیت شخصی دیگران باز می‌دارد.<sup>۴</sup> توجه ویژه تمامی ادیان و سنت‌های فکری و فلسفی به حفظ امنیت شخصی، نشان از اهمیت این بُعد از امنیت دارد. برای تبیین تعهد دولت به حفظ امنیت فردی انسان‌ها می‌توان به مبانی ذیل استناد جست.

## الف. حق حیات

حفظ امنیت شخصی انسان‌ها در حقیقت جلوه‌ای از ارزش حیات انسانی و اهمیت آن، ارتباط مستقیمی با اهمیت حیات دارد. با توجه به اهمیت بنیادین امنیت شخصی افراد به لحاظ ارتباط مستقیمی که با حیات آنان دارد، همواره یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در این ارتباط تعیین شده است و اندیشمندان، دولت را ملزم به رعایت امنیت شخصی اتباع خویش و همچنین حفظ امنیت شخصی آنان در برابر تعدیات اشخاص ثالث دانسته‌اند.

با توجه به این مهم که حق حیات، بنیادی‌ترین حق انسانی است، حقوق دانان، دیگر حق‌های پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر را متوقف بر حق حیات دانسته‌اند. در نتیجه این حق جزو حقوق ذاتی وی است که همواره باید توسط قانونگذار و دولت مورد حمایت قرار گیرد.<sup>۵</sup>

۱. برای نمونه در دین مبین اسلام مطابق آیه شریفه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (سوره مائده آیه ۳۲) قتل یک انسان مساوی با کشتن تمامی انسان‌ها دانسته شده است و این نشان از ارزش حیات انسان نزد خداوند متعال است.

۲. «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا» (سوره مبارکه اسراء آیه شریفه ۳۱).

۳. برای نمونه توجه به آیات شریفه «يا ايها الذين آمنوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي قَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدِ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (سوره مبارکه بقره ۱۷۸). «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ» (۴۴) و کتبنا عليهم فيها أن النفس بالنفس والعين بالعين والأنف بالأنف والأذن بالأذن والسن بالسن والجروح قصاص» (سوره مبارکه مائده آیه شریفه ۴۴ و ۴۵) گویای این بعد از امنیتدر اسلام و دیگر ادیان است.

۴. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء ۳۱).

«مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَعَنَهُ وَاعْدَلَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (سوره مبارکه نساء آیه ۹۳).

۵. ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.»

و به دلیل آنکه در سایه تأمین و امنیت روزانه است که شهروندان می‌توانند از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی بهره‌مند شوند، تضمین آن را از تکالیف بدیهی دولت‌ها قلمداد نموده‌اند.<sup>۱</sup> اندیشمندان منتقد نیز «هدف اصلی از ایجاد محدودیت آدمی بر خویشتن و زندگی درون دولت را دوراندیشی درباره حفظ و حراست خویشتن»<sup>۲</sup> ذکر نموده‌اند و بر این اساس است که روسو، دولت را پدیدآمدن نوعی شرکت می‌داند که «با تمام نیروی مشترک از هر شریک و منافع او حمایت کند».<sup>۳</sup> از این منظر، اساساً مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه دولت‌ها و کارکرد اولیه آن‌ها حفظ و حراست از حیات آدمی است. در نتیجه می‌توان نخستین مبنای وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فردی را حق حیات و حفظ حیات انسان‌ها برشمرد چرا که با در خطر قرارگرفتن امنیت شخصی، به‌صورت مستقیم حیات انسان‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرد تا حدی که ممکن است نقض امنیت فردی به سلب حیات فرد منجر شود.

#### ب. حفظ کرامت انسانی

اندیشه بر خورداری انسان‌ها از کرامت ذاتی، هم توسط ادیان الهی<sup>۴</sup> و هم توسط اندیشمندان متقدم<sup>۵</sup> مطرح شده است. لیکن با پدیداری مفهوم مدرن حقوق بشر، این اندیشه، گسترش یافت و زمینه‌ای جهانی پیدا کرد. با توجه به اصل بر خورداری آدمیان از کرامت ذاتی، «تمامی انسان‌ها فارغ از نژاد، دین، جنسیت، قومیت، ملیت، سن، فرهنگ، و فقط به‌صرف انسان‌بودن از کرامت ذاتی لازم‌الاحترام از سوی دیگر انسان‌ها برخوردار می‌باشند».<sup>۶</sup> یکی از مهم‌ترین علل سلب‌شدن

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، درباره امنیت‌شناسی (دیباچه بر مدیریت انسان‌مدار یک جرم) سودابه رضوانی (تهران: میزان، ۱۳۹۱) ص ۱۲.
۲. توماس هابز، لویاتان، ترجمه: حسین بشیریه (تهران: نی، ۱۳۸۰) ص ۱۸۹.
۳. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه: مرتضی کلانتریان، چاپ پنجم (تهران: آگه، ۱۳۸۹) ص ۱۰۱.
۴. آیه شریفه ۷۰ سوره مبارکه اسراء به کرامت‌یافتن انسان توسط خداوند اشاره می‌نماید و تصریح می‌نماید که خداوند آدمی را بر سایر مخلوقات برتری داده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» ودر آیات متعددی از قرآن کریم بر برابری آدمیان نزد خداوند متعال و برابری ذاتی آدمیان تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ» (سوره مبارکه حجرات آیه شریفه ۱۲).
۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص اندیشه کرامت ذاتی انسان‌ها، ن.ک: ناصر قربان‌نیا، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷).
۶. اعلامیه جهانی حقوق بشر: «مقدمه: از آنجاکه کرامت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد: ...  
ماده ۱: تمام افراد بشر... از لحاظ کرامت و حقوق با یکدیگر برابرند...»  
مقدمه مشترک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: «...با اذعان به اینکه حقوق مذکور، ناشی از کرامت ذاتی شخص انسان است...»

کرامت ذاتی انسان‌ها، نقض امنیت فردی آن‌ها است چرا که ممکن است اقدامات نقض‌کننده امنیت فردی منجر به سلب حیات فرد نشود و حتی آسیب جسمانی به وی وارد نماید ولی همین اقدامات به سلب کرامت و حیثیت فرد منجر شود. اعمالی نظیر تجاوز جنسی، اجبار افراد به فحشا، برهنه‌نمودن افراد در مقابل دیگران یا اعضای خانواده، اجبار فرد به تماشای تجاوز به دیگران، توهین و فحاشی و سلب حیثیت فرد یا اعضای خانواده وی ممکن است آسیب مستقیم فیزیکی بر جسم فرد نداشته باشد لیکن به گونه‌ای تأثیر بر روح و روان وی بگذارد که تا سال‌ها روح فرد از این آسیب آزردده باشد و حتی برای رهایی از این آسیب روحی، خود اقدام به سلب حیات از خویش بنماید. یکی از آثار اندیشه کرامت ذاتی انسان‌ها، احترام به شخصیت آنان است. در نتیجه دولت در این زمینه وظیفه و تعهد می‌یابد که با طیف وسیعی از اعمال که با نقض امنیت فردی انسان‌ها، حیثیت و کرامت آن‌ها را هتک می‌نماید، مقابله نماید و دولت‌ها به دلیل برخورداری انسان‌ها از کرامت ذاتی، وظیفه و تعهد به حفاظت از امنیت فردی آنان می‌یابند.

### ج. امنیت فردی، لازمه توسعه و پیشرفت

گرچه دولت‌ها در آغاز برای حفظ امنیت، برقراری نظم و اجرای عدالت پدید آمده بودند، لیکن به تدریج با گسترش حوزه وظایف دولت‌ها، توسعه و پیشرفت نیز به وظایف آن‌ها افزوده شد به گونه‌ای که امروزه حقوق دانان در مقام برشمردن اهداف و وظایف دولت‌ها، از توسعه و پیشرفت در کنار برقراری نظم و اجرای عدالت نام می‌برند.<sup>۱</sup> در نتیجه پیشرفت و توسعه جامعه، یکی از وظایف و کارکردهای اصلی و مهم دولت‌هاست. علاوه بر این وظیفه دولت در پیشرفت جوامع که عمدتاً از طریق ارائه خدمات عمومی توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد، امروزه دولت‌ها وظایفی در خصوص پیشبرد توسعه نیز یافته‌اند. توسعه گرچه در ابتدا از دریچه توسعه اقتصادی نگریسته می‌شد ولی «به تدریج رهایی از ترس، کاستن از خشونت و کاستن از فقر، با معنای توسعه عجین شده‌اند»<sup>۲</sup> و کارکردهای دولت در این زمینه‌های جدید نیز تعریف شد. در نتیجه با این نگرش جدید، عناصری نظیر «فوانین شفاف، شفافیت، پاسخ‌گویی، مشارکت مردمی، حقوق بشر و آزادی‌های مدنی، نحوه انتخاب‌شدن دولتمردان و اعمال قدرت آن‌ها، همگی در گستره وظایف دولت در حوزه توسعه بررسی می‌شوند و تأثیرگذار هستند».<sup>۳</sup>

۱. ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم (تهران: میزان، ۱۳۸۶) صص؛ ۱۵۰-۱۴۹.

2. World Bank, *World Development Report 2000/2001* (New York: Oxford University Press)

3. Phillis R. Pomerantz, *Development Theory* (London: 2011, SAGE Publications) Pp.160-161.

نگرش جدید به مفهوم توسعه موجب شده است که از سویی اندیشمندان امروزه نظریه توسعه را به‌عنوان یکی از نظریه‌های کارکردی دولت قلمداد نموده و در چارچوب مفهوم زمامداری، عناصر مرتبط دولت و توسعه را مطرح و بررسی می‌نمایند. از سوی دیگر با مطرح شدن حق بر توسعه<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از حقوق بشری، این حق توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رسمت شناخته شد. به موجب حق بر توسعه، «هر فرد انسانی و همه ملت‌ها حق برخوردارگی از توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که تمام حقوق بشری و آزادی‌های اساسی در آن به‌طور کامل تأمین شود را دارند».<sup>۲</sup> و برای تأمین این حق بشری، «دولت‌ها مسئولیت اصلی ایجاد شرایط ملی و بین‌المللی مساعد برای تحقق حق توسعه»<sup>۳</sup> را بر عهده دارند. با توجه به اینکه به تدریج مفهوم توسعه، گسترش یافته و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین توسعه انسانی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است، بدون تردید یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین پیش‌شرط‌ها و زمینه‌های لازم برای پیش‌برد توسعه در جوامع، وجود امنیت برای تک‌تک افراد و شهروندان جامعه است. به بیان دیگر «تحقق توسعه ... مبتنی بر شأن و مقام آدمی، حقوق بشر، برابری، احترام، صلح، دموکراسی، مسئولیت و همکاری متقابل» و اختصاص «بالاترین اولویت در خط‌مشی‌ها و اقدامات ملی و بین‌المللی دولت‌ها به پیش‌برد توسعه اجتماعی، تعالی عدالت و بهبود شرایط انسان‌ها»<sup>۴</sup>، مستلزم فراهم آوردن چارچوبی است که در آن «... کمک به پیشرفت و ایجاد امنیت برای مردم و جوامع صورت گیرد به گونه‌ای که در سایه این پیشرفت و امنیت، آحاد مردم یک جامعه بتوانند نیازهای اولیه انسانی خود را تحقق بخشند».<sup>۵</sup>

در نتیجه با توجه به اهمیت حفظ امنیت فردی به‌عنوان پیش‌شرط لازم جهت پیشرفت و توسعه در بُعد فردی و اجتماعی و وظیفه دولت‌ها در پیش‌برد اهداف توسعه جوامع، دولت‌ها وظیفه می‌یابند که به‌عنوان لازمه پیشرفت و توسعه در تأمین امنیت فردی انسان‌ها اهتمام ورزند.

## ۱-۲. مبانی حقوقی وظیفه دولت

حفظ امنیت فردی انسان‌ها، در گرو رعایت دو حق بشری آن‌ها یعنی حق بر امنیت<sup>۶</sup> و حق بر تأمین<sup>۷</sup> (امنیت حقوقی - قضایی) است. در این معنا، حق بر امنیت، حمایت عمده‌تاً ایجابی و مثبت

1. Right to Development

2. Declaration on Right to Development, Article 1(1986)

3. *Ibid*, Article 2

4. *Copenhagen Declaration on Social Development* (1995), Para 25

5. *Ibid*, Para 26

6. Right to be secure

7. Right to Security

از افراد انسانی در برابر کلیه مخاطرات پیش روی امنیت فردی است و حق بر تأمین، تضمین حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی در برابر تصمیم‌ها و اقدام‌های غیرقانونی و خودکامه عوامل دولتی است. رعایت و تضمین توأمان این دو حق بشری است که موجب تأمین امنیت فردی انسان‌ها در احوال و شرایط گوناگون می‌شود.

#### الف. حق بر امنیت

از زمان پدیداری دولت‌های مدرن و نگرش مدرن به فرد یعنی از زمان انقلاب فرانسه، توجه به امنیت شخصی مورد توجه دولت‌ها بوده است؛ آن‌گونه که در ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان فرانسه، امنیت یکی از اهداف جامعه سیاسی شمرده شده است.<sup>۱</sup> در راستای ارزش حیاتی امنیت شخصی برای انسان‌ها، قوانین اساسی کشورهای مختلف، حفظ جنبه‌های گوناگون امنیت شخصی را از وظایف و تکالیف دولت‌ها دانسته‌اند. برای مثال، تصریح مصونیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد از تعرض در اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یا تعیین «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» به‌عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تصریح به «مصونیت جان و مال و مسکن و شرف افراد مردم از هرگونه تعرض» در اصل نهم متمم قانون اساسی مشروطه در همین راستا است.

تصریح حق بر امنیت در اصل هفتم قانون اساسی ۱۹۸۲ کانادا<sup>۲</sup> و تعیین ابعاد آن در اصول هشتم تا دوازدهم همین قانون، اصل پانزدهم،<sup>۳</sup> هفدهم و هجدهم قانون اساسی اسپانیا، اصلاحیه چهارم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۹۱<sup>۴</sup> و اصل بیست‌ویکم و بیست‌ودوم<sup>۵</sup> قانون اساسی ۱۹۹۲ فدراسیون روسیه همگی نشان از اهمیت این حق حیاتی و بنیادین نزد جوامع دولت‌ها و مردم دارد. همان‌گونه که از مرور موارد ذکرشده برداشت می‌شود حق بر امنیت شخصی همواره یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق انسانی است که در قوانین اساسی

۱. ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان فرانسه: «هدف جامعه سیاسی، حفظ حقوق طبیعی و غیرقابل مرور زمان است. این حقوق عبارت‌اند از: آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر ستم».

۲. اصل هفتم قانون اساسی ۱۹۸۲ کانادا: «هرکسی از حق حیات، آزادی و امنیت شخصی برخوردار است».

۳. اصل پانزدهم قانون اساسی اسپانیا: «تحت هیچ شرایطی نمی‌توان افراد را مورد شکنجه یا مجازات و رفتار غیر انسانی قرار داد».

۴. اصلاحیه چهارم (۱۷۹۱): «حق امنیت جان، مسکن، اوراق و اسناد و مصونیت دارایی‌های مردم در برابر تفتیش و توقیف غیرموجه تضمین می‌شود».

۵. اصل بیست‌ویکم قانون اساسی فدراسیون روسیه مصوب ۱۹۹۳: (۱) کرامت انسانی تحت حمایت قرار دارد (۲) هیچ‌کس را نباید مورد شکنجه، اعمال خشونت و اقدامات دیگر برای تحقیر یا تنبیه قرار داد. اصل بیست‌ودوم: (۱) همه حق آزادی و مصونیت شخصی دارند.



کشورها ذکر می‌شود و از این رو حفظ امنیت شخصی افراد یکی از اصلی‌ترین تعهدات دولت‌ها است

### ب. حق بر تأمین

با پدیداری مفهوم مدرن حقوق بشر و پذیرش جهانی آن با پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر، در بُعدی جهانی بر حق بر تأمین، تأکید ویژه‌ای شد. تصریح به «حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی» در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر،<sup>۱</sup> ممنوعیت «شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه یا برخلاف انسان و شئون بشری یا موهن» در ماده ۵<sup>۲</sup> و «حبس، توقیف یا تبعید» در ماده ۹<sup>۳</sup> این اعلامیه و تأکید مجدد بر این حقوق در مواد ۷<sup>۴</sup> و ۹<sup>۵</sup> میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی گویای اهمیت حق بر امنیت شخصی برای زندگی فارغ از ترس است. علاوه بر اسناد و متون بین‌المللی، در معاهدات منطقه‌ای حقوق بشر نیز یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی، امنیت شخصی و تعهد دولت‌ها به حمایت از آن است. ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، این تعهد دولت‌ها را به کامل‌ترین صورت بیان کرده است.<sup>۶</sup> توجه این ماده به شرایطی که

۱. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».
۲. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت یا شئون بشری یا موهن باشد».
۳. ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود».
۴. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد».
۵. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «(۱) هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون و مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) نمود».
۶. ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر: «(۱) هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در موارد ذیل و طبق تشریفات قانونی:  
الف) بازداشت قانونی یک فرد پس از محکومیت توسط دادگاه صالح؛  
ب) دستگیری یا بازداشت یک فرد به دلیل اجرای دستور قانونی یک دادگاه یا به منظور تأمین اجرای هر گونه تعهد قانونی؛  
ج) دستگیری یا بازداشت قانونی یک فرد با هدف اعزام وی نزد مقام قانونی صالح با ظن معقول نسبت به ارتکاب جرم یا با ملاحظه معقولانه ضرورت پیشگیری از فرار وی پس از ارتکاب جرم؛  
د) بازداشت کودک با دستور قانونی با هدف نظارت بر امور آموزشی وی یا بازداشت قانونی وی با هدف اعزام نزد مقام قانونی صالح؛  
ه) بازداشت قانونی افراد با هدف پیشگیری از ورود غیرقانونی به کشور یا فردی که موضوع اخراج یا استرداد قرار گرفته است.  
۲) هر کس که دستگیر می‌شود باید فوراً به هر زبانی که وی آن را درک می‌کند، از دلایل دستگیری و هر اتهام وارده بر خود مطلع شود.»

ممکن است در آن‌ها خود دولت عامل نقض کننده امنیت شخصی افراد شود، یکی از مهم‌ترین ابعاد حفظ امنیت فردی را مطرح می‌نماید. دولت‌ها خود در شرایط خاصی ممکن است با بازداشت غیرقانونی یک فرد یا رفتار خشن، غیرانسانی یا موهن با فرد بازداشت‌شده موجب تعرض به جسمانیت فرد شوند که این امر منتهی به نقض امنیت شخصی انسان‌ها می‌شود. در نتیجه با تأکید بر برخورداری انسان‌ها از حق بر تأمین دولت‌ها مکلف‌اند که از تعدی کارگزاران خویش به امنیت فردی شهروندان که منجر به نقض امنیت فردی آن‌ها می‌شود جلوگیری و از این طریق به حراست از امنیت فردی اتباع خویش پردازند.

مبانی نظری پیش‌گفته، موجب تحول در وظیفه دولت در حفظ امنیت فردی انسان‌ها می‌شود. در نتیجه این وظیفه مهم دولت از ابعاد گوناگون متحول می‌شود که ضروری است ابعاد این تحول به صورت دقیق‌تر تبیین شود.

### ۱-۳. تحول در وظیفه دولت

با توجه به اینکه از سویی حق حیات و برخورداری از کرامت ذاتی انسانی متعلق به همه ابناء بشری است و اینکه پیش‌برد ابعاد گوناگون توسعه، مساعی بین‌المللی همه دولت‌ها را می‌طلبد و از سوی دیگر، تأمین هم‌زمان دو حق بشری حق بر امنیت و حق بر تأمین نیازمند تحول و تغییر در برخی رویکردها و سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها است، می‌توان از تحول در وظیفه دولت‌ها در خصوص امنیت فردی انسان‌ها سخن گفت. در نتیجه وظیفه دولت‌ها در این خصوص، از دو بُعد مهم متحول می‌شود: نخست ماهیت این تعهد از وظیفه سنتی دولت‌ها به مجازات نقض کنندگان امنیت (مجرمین) و حفظ امنیت کشور در مقابل تجاوزهای کشورهای خارجی به حفظ امنیت فردی اتباع خویش تغییر یافته است. دوم آنکه گستره این تعهد - با توجه به برخورداری تمامی انسان‌ها فارغ از ملیت از حق حیات، کرامت ذاتی و حق توسعه - از جنبه ملی فراتر رفته است و جنبه فراملی و بین‌المللی یافته است. در نتیجه دولت‌ها در تبادل نقض نمودن امنیت فردی تمامی انسان‌ها مسئولیت یافته‌اند.

۳) هر کسی که در چارچوب مفاد قسمت (ج) بند (۱) دستگیر یا بازداشت شده است باید فوراً نزد قاضی یا دیگر ذی‌صلاح قانونی جهت اعمال قدرت قضایی اعزام شود و حق دارد در مدتی معقول مورد محاکمه قرار گیرد یا در جریان محاکمه آزاد شود. آزادی ممکن است به اخذ تضمین جهت حضور در محاکمه مشروط شود.

۴) هر کس که به جهت دستگیری یا بازداشت، از حق آزادی خود محروم شده است، مستحق است قانونی بودن بازداشت وی در اسرع وقت توسط دادگاه مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد تا چنانچه بازداشت وی قانونی نباشد آزادی وی مورد حکم قرار گیرد.

۵) هر کسی که برخلاف شرایط مقرر در این ماده، قربانی دستگیری یا بازداشت شده باشد، حق دریافت جبران خسارت را خواهد داشت.»

## الف. ماهیت

با در نظر گرفتن این تعهد مبنایی دولت به حفظ امنیت فردی اتباع خویش، دو گونه تعهد برای دولت در این زمینه متصور است: نخست تعهد منفی دولت در عدم تجاوز به حریم شخصی اتباع و دوم، تعهد مثبت دولت به حفظ امنیت شخصی آنان از جمله جلوگیری از تعرض به حریم شخصی اتباع توسط اشخاص ثالث. در حقیقت توجه به ماهیت امنیت شخصی، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که علاوه بر تعهد سنتی دولت در عدم تعرض توسط قوا یا کارگزاران دولت به انسان‌ها، دولت، تعهدی مثبت نیز می‌یابد که عبارت است از پیشگیری از نقض امنیت فردی انسان‌ها توسط دیگر اشخاص و عوامل. تعهد دولت در این خصوص، تعهدی مثبت و ایجابی و مستلزم سیاست‌گذاری دولت در این رابطه است. برای مثال، دولت مکلف است برای حفظ تمامیت جسمانی افراد، علاوه بر آنکه عوامل دولتی را از ارتکاب جرایمی که ممکن است به جان یا جسم افراد آسیب بزند بر حذر می‌دارد و کسانی را که به دیگران آسیب می‌زنند مجازات نماید، از طریق اعمال و اجرای سیاست‌های پیشگیری از جرایم، زمینه ارتکاب چنین اعمالی را کاهش دهد و تلاش نماید که علل و عوامل به وجود آمدن پدیده جرم و در نتیجه نقض امنیت شخصی افراد را از بین ببرد. از این بُعد می‌توان به تعهد دولت در حفظ امنیت اتباع خویش از نو نگریست و چنین بیان نمود که علاوه بر تعهد دولت به حفظ امنیت اتباع در قبال تجاوز خارجی و منع دولت از تعدی به اتباع خویش و همچنین مجازات افرادی که به دیگران آسیب می‌زنند که تمامی این تعهدات نوعی تعهد پَسینی و پس از واقع شدن تجاوز به حدود امنیت یک فرد است، دولت نوعی تعهد پیشینی نیز در قبال امنیت افراد دارد که همانا تعهد به پیشگیری از وقوع تجاوز است. دولت باید با سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، فرهنگی و جنایی خویش، علل و عوامل وقوع جرم را از بین برد و به معنای واقعی و عینی، امنیت اتباع خویش را حفظ و تأمین نماید. اهمیت امنیت فردی انسان‌ها ایجاب می‌نماید که دولت به تعهد مثبت خویش در این زمینه نیز پایبند باشد و در این خصوص برنامه‌ریزی نماید.

## ب. گستره

اهمیت امنیت شخصی افراد، همچنین وظیفه و تعهد نوینی نیز برای دولت‌ها ایجاب می‌نماید. با دقت در برخی اسناد و عرف بین‌المللی و همچنین تحولات دنیای نوین می‌توان چنین برداشت نمود که تعهد دولت در حفظ امنیت شخصی انسان‌ها نوعی جنبه جهانی و انسانی نیز یافته است. به بیان دیگر، دولت‌ها دیگر، دولت‌ها دیگر در دنیای نوین فقط ملزم به حفظ امنیت شخصی و

عدم نقض امنیت شخصی اتباع خویش نیستند، بلکه در قبال اتباع دیگر کشورها یا به بیان دقیق‌تر هر فرد انسانی نیز چنین تعهدی دارند. توجه دقیق به سیاهه‌ای از تعهدات برشمرده شده برای دولت‌ها در قبال افراد انسانی در شرایط گوناگون از جمله جنگ و مخاصمه مسلحانه، گویای تعهدی جهانی برای دولت است: دولت در قبال تمامی انسان‌ها ملزم به رفتاری مطابق با کرامت انسانی است. گستره این تعهد دولت تا بدان‌جاست که دولت‌ها حتی حق تعرض به جسم و جان انسان‌هایی که با دولت متبوع آنان در حال تخاصم مسلحانه هستند نیز ندارند و باید حتی در شرایط مخاصمه مسلحانه با اسیران جنگی یا مجروحان جنگی دشمن خویش نیز رفتاری مطابق کرامت انسانی و به‌دور از خشونت (که نقض‌کننده مستقیم امنیت فردی آنان است) داشته باشد.

با توجه به تحول صورت‌گرفته در ماهیت تعهد دولت‌ها، گستره این تعهد نیز متحول می‌شود. امنیت فردی انسان‌ها ممکن است در سطح ملی یا فراملی به مخاطره افتد. در نتیجه، گستره وظیفه دولت‌ها در دو سطح ملی و فراملی قابل بررسی است.

## ۲. گستره وظیفه دولت

وظیفه دولت‌ها در قبال حفظ امنیت شخصی فردی تنها منحصر به اتباع خویش و در سطح ملی نمی‌شود، بلکه در سطح بین‌المللی هم هیچ دولتی حق نقض حریم امنیت شخصی هیچ‌یک از افراد انسانی را ندارد. اقدامات دولت‌ها حتی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نیز با توجه به اسناد بین‌المللی که امروزه جزو قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شوند، مقید شده است. دولت‌ها در این مخاصمات هم حق وارد آوردن رنج بیهوده به نظامیان دیگر کشورها یا انجام اقدامات خشونت‌آمیز از قبیل قتل و شکنجه غیرنظامیان را ندارند. بدین ترتیب وظیفه دولت‌ها در دو سطح ملی و فراملی قابل بررسی است: دولت‌ها در سطح فراملی وظیفه تأمین امنیت شهروندان خویش را بر عهده دارند و در سطح فراملی متعهد به منع نقض امنیت شخصی تمامی افراد جامعه بشری هستند.

### ۲-۱. وظیفه دولت در تأمین امنیت فردی شهروندان خویش (سطح ملی)

یکی از مهم‌ترین ابعاد ناامنی شخصی برای انسان‌ها در دنیای معاصر، ناامنی است که توسط خود دولت به وجود می‌آید. دولت از سویی ممکن است با به‌وجود آوردن ناامنی سیاسی شرایطی را به‌وجود آورد که این ناامنی منجر به ایجاد ناامنی انسانی شود یا با نقض حقوق

شهروندی اتباع خویش از طریق اعمال شکنجه، بازداشت خودسرانه یا ناپدیدشدگی اجباری آنان، امنیت شخصی آنان را نقض نماید. به بیان دیگر دولت‌ها که برای حفظ امنیت فردی تک‌تک افراد انسانی به وجود آمده‌اند ممکن است خود با تفسیرها و توجیه‌های متعدد، مهم‌ترین ناقضین امنیت فردی شوند. یکی از شایع‌ترین این توجیهات، برقراری نظم و امنیت است. یعنی دولت‌ها به بهانه برقراری نظم و امنیت، اقدام به نقض امنیت برخی از اتباع خویش بنمایند و به بهانه تأمین حق بر امنیت آنان، حق بر تأمین را نقض کنند. در این خصوص همواره باید توجه داشت شهروندان دولت که قسمتی از حقوق و آزادی‌های خویش را برای حفظ امنیت فردی خویش به دولت واگذار نموده‌اند، از حق دیگری یعنی حق بر تأمین برخوردارند. تضمین این حق که تمرکز اصلی آن بر پیشگیری از مداخله‌های پلیسی - قضایی عوامل دولتی استوار است، همچون حق بر امنیت فردی بر عهده دولت‌ها است. در نتیجه همواره باید توجه داشت که تضمین حق بر امنیت نمی‌تواند و نباید نقض حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را در ابعاد گوناگون زندگی افراد انسانی به‌طور کلی - و افراد مظنون یا متهم به ارتکاب جرم به‌صورت خاص - توجیه نماید. در نتیجه، از آنجا که «عدم رعایت حق شهروندان بر تأمین، توسط نهادهای پلیسی و قضایی، خود نوعی ناامنی را در بر دارد»<sup>۱</sup>، می‌توان از رابطه مستقیم حق بر امنیت فردی و حق بر تأمین و تأثیر مهم هر دو این حقوق در امنیت فردی انسان‌ها سخن گفت و دولت را ملزم دانست که هم‌زمان با تلاش برای تأمین حق بر امنیت شهروندی از نقض حق بر تأمین آنان توسط عوامل دولتی نیز جلوگیری نماید و به بیان دیگر «برقراری تعادل، در تضمین این دو حق است که امنیت‌آور است»<sup>۲</sup>.

توجه به سیر تاریخی تکمیلی اندیشه حقوق ذاتی ابناء بشر و تدوین و تصویب اسناد مهم در جهت بیان تضمین این حقوق و تشکیل نهادهای متعدد حمایت و صیانت از حقوق بشر در سطح ملی و بین‌المللی با توجه ویژه این حقوق بر حق تأمین، خود گویای حجم ستمگری دولت‌ها علیه انسان‌ها است. همچنین سیر تحول تاریخی علوم جنایی در خصوص رابطه دولت و امنیت فردی نیز در خصوص رابطه دولت و امنیت فردی قابل توجه است. توجه به این نکته تاریخی که یکی از مکاتب مهم علوم جنایی در پاسخ نقض امنیت فردی توسط دولت‌ها شکل گرفته است، اهمیت نقش دولت در ارتباط با حفظ امنیت فردی را به نمایش می‌گذارد. مکتب دفاع اجتماعی که توسط اندیشمندانی همچون مارک آنسل فرانسوی و گراماتیکای ایتالیایی

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، پیشین، ص ۱۹؛

۲. همان، ص ۲۰؛

نمایندگی می‌شد و به دلیل اهمیت آموزه‌های آن، تبدیل به جنبش دفاع اجتماعی شد، «در واقع پاسخ به کارنامه حکمرانی نظام‌های اقتدارگرا و تمامیت‌خواه و به بیان دقیق‌تر در اعتراض جدی به مدل اقتدارگرایی سیاست کیفری معمول در اروپای دهه ۳۰ و ۴۰ قرن نوزدهم میلادی شکل گرفت و رویکرد خود را دفاع از کرامت انسانی و ارائه سیاست جنایی انسان‌مدار قرار داد».<sup>۱</sup> این توجه ویژه به حفظ کرامت انسانی و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و تأمین و تضمین امنیت انسانی توسط دولت‌ها از سوی اندیشمندان مختلف بیان‌گر نقش مهم دولت‌ها در حفظ و تأمین امنیت فردی انسان‌ها است که مستلزم بررسی دقیق‌تر تعهدات دولت در هر یک از این موارد است.

#### الف. پیشگیری از نقض امنیت فردی به دلیل ناپدیدسازی اجباری

در اسناد متعدد حقوق بشر همان‌گونه که ذکر شد، دولت‌ها از نقض امنیت شخصی اتباع خویش منع شده‌اند. با استناد به ماده پنج کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، می‌توان گفت که دولت فقط متعهد به عدم دخالت در زندگی شهروندان خویش نیست، بلکه موظف است اجرای حقوق انسانی آنان را نیز تضمین نماید و به‌گونه‌ای، تعهد مثبت<sup>۲</sup> به تحقق حقوق انسانی آنان دارد. پیرو همین برداشت از کنوانسیون دیوان اروپایی حقوق بشر، دو وظیفه اصلی برای دولت‌ها در زمینه ناپدیدشدگی اجباری شناسایی نموده است: اتخاذ اقدامات مؤثر به منظور حفاظت در برابر ناپدیدشدگی در حین بازداشت و رسیدگی به ادعای ناپدیدشدن شخص بازداشت‌شده. این دیوان در آرای متعدد خود جنبه‌های گوناگونی از وظایف دولت‌ها در خصوص پیشگیری از ناپدیدشدگی اجباری اشخاص برشمرده است. این دیوان در یکی از آرای خود اظهار داشته است که: «ماده پنج کنوانسیون، یک سلسله حقوق ماهوی به‌ویژه در خصوص نظارت قضایی و رسیدگی در خصوص قانونی بودن بازداشت را بر اساس بندهای ۳ و ۴ مقرر می‌سازد و این حقوق با هدف کاهش ریسک بازداشت خودسرانه صورت گرفته است».<sup>۳</sup>

دیوان در این خصوص به‌صراحت اعلام می‌دارد که «بازداشت اعلام‌نشده فرد، کاملاً مغایر با ضمانت‌های مذکور و نقض ماده پنج کنوانسیون است و فقدان اطلاعات مربوط به نگهداری فرد همچون موضوعاتی مانند تاریخ، زمان، محل بازداشت، نام فرد و علت بازداشت، مغایر با

۱. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه: محمدآشوری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱) ص: ۱۸.

2. Positive Obligations

3. European Court of Human Rights, *Kurt v. Turkey*, No 24 276/94 (1998).

اهداف ماده ۵ به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup> دیوان در دیگر آرای خود وضعیت‌هایی که در آن‌ها ادعا می‌شود فردی توسط نیروهای دولتی بازداشت شده و دیگر دیده نشده است نیز به دلیل آنکه در حقیقت چنین شرایط توقیفی منتهی به معدوم‌شدن پنهانی فرد می‌شود مورد بررسی قرار داده است. برای مثال این دیوان در یکی از آرای خود در خصوص ناپدیدشدن تعداد زیادی از افراد یونانی-قبرسی طی حمله ارتش ترکیه در سال ۱۹۷۴ به این نتیجه رسید که: «استمرار نقض ماده ۵ کنوانسیون در اثر کوتاهی مقامات دولت خوانده در رسیدگی مؤثر نسبت به سرنوشت یونانی-قبرسی‌ها بوده است. این افراد کسانی بودند که ادعا شده بود که در هنگام بازداشت ناپدید شده‌اند».<sup>۲</sup> یا در رأی دیگری در خصوص شکایت خویشان افراد بازداشت‌شده در جریان حمله نیروهای امنیتی ترکیه در جنوب شرقی آن کشور در سال ۱۹۹۳ اظهار داشت:

«دادستان‌های عمومی نسبت به اداره هرگونه تحقیق در خصوص درگیری نیروهای امنیتی در ناپدیدشدن خویشاوندان شاکیان، بی‌تعمیل و بی‌میل بوده‌اند. بنابراین رسیدگی مؤثری صورت نگرفته است و نقض فاحش ماده پنج تحقق یافته است».<sup>۳</sup> تمامی این آرای نشان از گستردگی تعهدات دولت برای حفظ و حراست از اتباع خویش و حتی اتباع دیگر کشورها دارد. اهمیت مقابله با ناپدیدشدگی اجباری و توقیف‌های غیرقانونی، موجب شد که در اولین کنگره سازمان ملل مقررات «حداقل قواعد انسان‌دوستانه برای برخورد با زندانیان سیاسی» پیشنهاد و پذیرفته شود. این قواعد در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد موسوم به «مجموعه اصول ناظر بر حمایت از زندان سیاسی تحت هر نوع بازداشت یا مجازات» بازنگری شد و امروزه برای تمامی انسان‌ها فارغ از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اندیشه سیاسی و ملیت قابل اجراست.<sup>۴</sup> در قوانین داخلی کشورها نیز همواره برای دولت تعهدات مهمی در راستای حفظ این بُعد از امنیت شخصی اتباع خویش برشمرده شده است.<sup>۵</sup>

1. *Ibid*, Para, 125.

2. European Court of Human Rights, Cyprus v. Turkey, No 25781/94 (2001) para.150.

3. European Court of Human Rights, Akdemiz and others v. Turkey, No 23954/94, (2001).

۴. حسین شریفی طراز کوهی، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (تهران: میزان، ۱۳۹۰) ص؛ ۲۸.

۵. توجه به جنبه‌های حقوق کیفری افراد در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظیر اصول ۳۲، ۳۶ و ۱۶۹ و تعیین ضمانات اجراهای کیفری در قوانین داخلی نظیر ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی و مواد ۵۷۲ الی ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی در بیان تقصیرات مأمورین دولتی در سلب آزادی و نقض امنیت شخصی افراد و تصریح حقوق متهمین در مواد مختلف قانونی نظیر مواد ۹۶ الی ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری خود نشان از اهمیت امنیت شخصی و نیاز به توجه ویژه جهت جلوگیری از نقض این امنیت توسط دولت و کارگزاران آن در تبیین جریان رسیدگی قضایی دارد.

### ب. پیشگیری از نقض امنیت فردی به دلیل شکنجه

شکنجه یکی از سبعانه‌ترین جلوه‌های نقض حریم شخصی و کرامت ذاتی انسانی است. همچنین در تعارض مستقیم با آنچه اندیشمندانی همچون کانت در جایگاه انسان معتقدند (آن‌چنان رفتار کن که مایلی آن عمل، قاعده‌ای فراگیر و جهان‌شمول باشد) و قاعده اخلاقی به‌مثابه ابزار ننگریستن انسان قرار دارد. در نتیجه بنابر نظر اندیشمندان؛ «در نظام اخلاقی کانت، احترام به کرامت و حیثیت ذاتی انسان از اوامر مطلقه‌ای است که هیچ استثنایی بر نمی‌دارد. شکنجه افراد و اذیت و آزار و تحقیر ناشی از آن، بی‌تردید نقض حریم انسانی است. خلاصه آنکه به نظر می‌رسد غایت بودن انسان مبنای مستحکم اخلاقی در منع شکنجه ارائه دهد»<sup>۱</sup> بدون تردید توجه جامعه جهانی به پدیده شکنجه، در کاهش وقوع این پدیده اثر داشته است آن‌چنان‌که برای مثال: «در هندوراس موارد گزارش‌شده شکنجه به کمیته دفاع از حقوق بشر که سازمان غیردولتی عمده‌ای است، از ۱۵۶ مورد در سال ۱۹۹۱ به ۷ مورد در سال ۱۹۹۶ کاهش یافته است»<sup>۲</sup> لیکن همچنان شکنجه یکی از بارزترین انواع نقض امنیت انسانی افراد توسط دولت‌ها است.

از وظایف مهم دولت در حفظ امنیت فردی، پیشگیری از اعمال شکنجه توسط عوامل دولتی است. شکنجه در معنای حقوقی خویش، بنابر تعریف کنوانسیون «منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا موهن» سال ۱۹۸۴ عبارت است از: «هر فعل عمدی که توسط آن درد یا صدمه شدید اعم از جسمی یا روحی هنگامی که چنین درد یا صدمه‌ای توسط یک مأمور رسمی یا تحت نظارت وی یا با رضایت یا سکوت وی بر شخص وارد شود». با دقت در تعریف فوق می‌توان به گسترده‌گی مفهوم شکنجه در ادبیات حقوق بشر پی‌برد. نکته مهم و قابل توجه تصریح ماده ۲ همین کنوانسیون به استثنا پذیر نبودن منع شکنجه با این عبارات است: «اوضاع و احوال استثنایی هر چه که باشد، خواه یک وضعیت جنگی یا خطر جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی یا هر گونه وضعیت فوق‌العاده عمومی یا دستور یک مقام ارشد (نظامی یا انتظامی) یا یک مقام عمومی نمی‌تواند به‌عنوان عامل موجه کننده شکنجه مورد استناد قرار گیرد». تصریح این امر خود حکایت از حیاتی بودن منع شکنجه از منظر رهیافت انسانی دارد. به بیان دیگر، اهمیت جلوگیری از شکنجه به دلیل جلوه غیر انسانی آن و تأثیر مستقیم آن بر نقض امنیت فردی موجب شده است که علاوه بر ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، در ماده ۴ پروتکل الحاقی دوم، ماده ۱۲ کنوانسیون اول و دوم ژنو، ماده ۷ کنوانسیون سوم و

۱. سیدمحمد قاری سیدفاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتریکم، چاپ دوم (تهران: شهردانش، ۱۳۸۸) صص ۷۶-۷۵.  
2. United Nations Development Programme, *Human Development Report* (New York: Oxford University Press, 2000)



ماده ۳۲ کنوانسیون چهارم ژنو به صراحت ممنوع اعلام شود. همچنین در ماده ۷۵ پروتکل الحاقی دوم نیز، شکنجه به صورت کامل منع شده است.

### ج. پیشگیری از نقض امنیت فردی از طریق پیشگیری از جرم

یکی از مهم‌ترین وظایف دولت در طول تاریخ، برقراری نظم و عدالت بوده است که یکی از ابزارهای آن مجازات مجرمین بوده است. مجازات نقض‌کنندگان حقوق و امنیت دیگر انسان‌ها گرچه در جهت برقراری نظم مؤثر است، لیکن تعهد دولت به حفظ امنیت فردی انسان‌ها مستلزم تعهدی فراتر از این امر است. به بیان دیگر، دولت ملزم است که از پدید آمدن جرم که بسیاری اشکال آن منجر به نقض امنیت فردی انسان‌ها می‌شود جلوگیری و پیشگیری نماید. توجهی گذرا به آمارهای ذیل، یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت برای حفظ امنیت فردی را معرفی می‌نماید: «در سراسر جهان همه ساله حدود ۱/۲ میلیون زن و دختر برای فحشاء خرید و فروش می‌شوند. حدود ۱۰۰ میلیون کودک در خیابان‌ها کار یا زندگی می‌کنند.»<sup>۱</sup> «جرائم وابسته به دارو از ۴ برای ۱۰۰/۰۰۰ نفر در بلاروس در سال ۱۹۹۰ به ۲۸ در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است و در استونی از ۱ در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر به ۸ رسیده است. تجارت اسلحه موجب جرائم خیابانی و نزاع‌های کشوری می‌شود. استثمار جنسی زنان و دختران فقط برای اروپای غربی ۱۰۰/۰۰۰ نفر در یک سال، یکی از زشت‌ترین جلوه‌های تجاوز به حقوق و امنیت انسانی است.»<sup>۲</sup> در راستای توجه به این عد از جرائم است که «امروزه متخصصین امنیت از فنون و تدابیر مختلف که در صورت به کارگیری مناسب، موجب کاهش بزه کاری می‌شود، استفاده می‌کنند.»<sup>۳</sup>

برای تحقق امنیت فردی و ایجاد چهره‌ای انسانی‌تر از دولت، توجه صرف به عدم نقض امنیت شخصی توسط دولت کافی نیست بلکه دولت ضرورتاً باید از پدید آمدن علل و عوامل جرائم نیز پیشگیری نماید. پدیده جرم، هم‌زاد و قرین جامعه انسانی بوده و عمری به قدمت جامعه بشری دارد.<sup>۴</sup> لیکن دولت برای تحقق امنیت فردی اتباع خویش وظیفه می‌یابد از این پدیده پیشگیری و از طریق علمی با آن مقابله نماید. این وظیفه دولت به عنوان یک اقدام مثبت،

1. United Nations Development Programme, *Human Development Report* (New York: Oxford University Press, 2000).

2. United Nations Development Programme, *Human Development Report* (New York: Oxford University Press, 1999).

۳. شهرام ابراهیمی، جرم‌شناسی پیشگیری، چاپ دوم (تهران: میزان، ۱۳۹۱)، ص ۹۹.

۴. همان، ص ۲۳.

اقدامی در جهت حفظ امنیت شخصی انسان‌ها است. دولت اجتماعی باید همراه با افزایش گونه‌های دیگر امنیت، به افزایش امنیت عمومی جامعه و کاهش جرایم و آسیب‌های اجتماعی نیز توجه داشته باشد که انجام این کارکرد دولت، جز از طریق نگاه علمی و کارشناسانه به پدیده جرم و آسیب اجتماعی و اتخاذ رویکردی پیشگیری محور میسر نیست.

تمرکز علوم جنایی بر راهکارهای پیشگیری از جرایم، لزوم جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی<sup>۱</sup> و ارائه سیاست مدیریت ریسک جرم به جای افزودن بر زرادخانه کیفری موجب کاستن فشار مضاعف از دستگاه قضایی و تمرکز هرچه بیشتر بر جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد و جرایم خشن می‌شود؛ امری که علاوه بر کاهش تدریجی نقض غیرمستقیم امنیت مظنونین یا متهمین به ارتکاب جرائم خرد در جریان تعقیب، تحقیق یا دادرسی، توان کنش‌گران کیفری را برای مقابله با عوامل اصلی ناقض امنیت فردی افزایش می‌دهد.

رفتار کرامت‌مدار با بزه‌کار و بزه‌دیده که در اصل انسان‌گرایی مدنظر برخی جرم‌شناسان نیز به آن اشاره می‌شود،<sup>۲</sup> در کنار ظهور ابزارهای نوین مقابله با جرایم سازمان‌یافته، گویای رویکردی نوین در علوم جنایی با تکیه بر انسان‌مداری و کرامت‌مداری<sup>۳</sup> و توجه ویژه به حفظ امنیت فردی است. تمامی این ابعاد تحول در راستای نگرش انسان‌مدار به بزه، بزه‌کار و بزه‌دیده و افزایش نقش دولت در پیشگیری از به‌وجود آمدن عوامل نقض امنیت فردی به واسطه بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری افراد است.

## ۲-۲. ممنوعیت نقض امنیت فردی تمامی اعضای جامعه بشری توسط دولت‌ها (سطح فراملی)

در طول تاریخ همواره امنیت شخصی آدمی توسط عوامل خارج از مرزهای سرزمینی خویش به خطر می‌افتاده است و مخاصمات مسلحانه مهم‌ترین عامل به‌خطرافتادن امنیت شخصی وی بوده است. علی‌رغم پیشرفت جامعه بشری در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و طبیعی، متأسفانه در دنیای معاصر هنوز جنگ‌ها عامل به‌خطرافتادن حیات و تمامیت جسمی آدمی و نابودی سرزمین‌ها و نقض امنیت فردی انسان‌ها محسوب می‌شوند.

۱. آنسل، پیشین، صص ۱۱۰-۱۰۵.

۲. حسین غلامی، «اصل حداقل بودن حقوق جزا» (۱۳۹۱) شماره ۲، نشریه پژوهش حقوق کیفری، ص ۶۰.

۳. آنسل، پیشین، صص ۱۱۰-۱۰۵.

### الف. وظایف دولت‌ها در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

برای پیشگیری از مخاصمات مسلحانه و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی خصوصاً در چند دهه اخیر، قواعد بین‌المللی متعددی وضع شده و گام‌های عملی نیز برداشته شده است. تشکیل سازمان ملل متحد که با اعلام تصمیم جهانی به «محفوظ نگه داشتن نسل‌های آینده از بلایای جنگ که دوبار در مدت عمر یک انسان، افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده»<sup>۱</sup> و با هدف «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» و «به‌عمل آوردن اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات بر ضد صلح، و فراهم آوردن موجبات حل و فصل اختلاف بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح شود، با وسایل مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل»<sup>۲</sup> پا به عرصه وجود گذارد، یکی از مهم‌ترین اقدامات بین‌المللی در راستای پیشگیری از پدید آمدن مخاصمات مسلحانه است. در نتیجه، یکی از ابعاد انسانی دولت، پیشگیری از وقوع مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و رفع اختلافات خویش از طرق صلح‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. بدون تردید اهتمام دولت به پیشگیری از به‌وجود آمدن مخاصمه مسلحانه، از بروز بسیاری زمینه‌های نقض امنیت شخصی پیشگیری می‌نماید که این بحث از نوشتار حاضر خارج است.

لیکن آنچه در خصوص وظیفه دولت در حفظ امنیت شخصی انسان‌ها از منظر نوشتار حاضر مهم است، قواعدی است که دولت باید در خلال این مخاصمات مسلحانه در رفتار خویش با انسان‌ها رعایت نماید و از حیث این رفتار انسانی تفاوتی میان شهروندان یک دولت با اتباع دیگر دولت‌ها نیست. این قواعد پس از جنگ جهانی دوم جنبه جهانی به خود گرفت و تبدیل به قواعد آمره بین‌المللی و اصول اساسی بشریت لازم‌الرعایه برای تمامی ذوات بین‌المللی در هر شرایط و اوضاع و احوالی گشت و تحت عنوان حقوق بشر دوستانه بین‌المللی گردآوری و برای نخستین بار در چهار سند مهم بین‌المللی<sup>۳</sup> و ضمائم و الحاقات آن‌ها تدوین شد. این اسناد به صراحت دولت را ملزم به رفتاری انسانی با اسیران و مجروحان جنگی می‌نماید و از وارد آوردن رنج بیهوده به رزمندگان نیز بازمی‌دارد. در راستای همین تعهد جهانی است که دولت ملزم است در خصوص «کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند و همچنین نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند، در همه احوال بدون هیچ‌گونه تبعیض که ناشی از نژاد، یا رنگ، یا عقیده،

۱. مقدمه منشور ملل متحد.

۲. بند ۱ ماده ۱ منشور ملل متحد.

۳. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷.

جنس، اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن باشد با اصول انسانیت رفتار نماید» و در خصوص تمامی این افراد «لطمه به حیات یا تمامیت بدنی از جمله قتل به تمامی اشکال آن، زخم‌زدن، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه و آزار»<sup>۱</sup> آنان ممنوع اعلام گشته است. بعد از انعقاد این معاهدات بین‌المللی که امروزه جزو قواعد آمره بین‌المللی محسوب و نقض آن‌ها مستوجب مسئولیت برای نقض‌کنندگان است، اسناد مهم دیگری نیز نظیر قطعنامه حقوق بشر در منازعه مسلحانه ۱۹۶۸ مصوب کنفرانس حقوق بشر در تهران، ممنوعیت استفاده از مین‌های ضدنفر مصوب سپتامبر ۱۹۹۷ اسلو که به‌صورت مستقیم تحت تأثیر الگوی امنیت انسانی مطرح و به تصویب کشورها رسید و بسیاری اسناد بین‌المللی دیگر جزو قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی شدند.

توجه به ماهیت قواعد بشردوستانه در تأکید بر حفظ تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و لزوم ساماندهی حملات نظامی صرفاً علیه نظامیان طرف مقابل متخاصم و جرم‌انگاری حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری ندارند، به‌عنوان یک جرم جنگی توسط اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۲</sup>، وظیفه دولت‌ها را در خلال مخاصمات مسلحانه در قبال امنیت فردی انسان‌ها به‌خوبی تبیین می‌نماید.

همچنین حمایت خاص و ویژه این قواعد از گروه‌هایی که در خلال این مخاصمات در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند نظیر زنان و کودکان به نوعی حمایت مضاعف از امنیت فردی این گروه‌ها است. ماده ۷۶ پروتکل الحاقی اول، حمایت خاصی را از زنان بیان نموده است و بند ۲ ماده ۴ پروتکل الحاقی نیز «هتک حرمت به شأن انسانی، رفتارهای تحقیرآمیز، تجاوز به‌عنف، فحش‌ای اجباری و هر نوع اهانت و بی‌شرمی» را که از مصادیق بارز نقض امنیت فردی محسوب می‌شود ممنوع اعلام نموده است. همچنین ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز این جرایم خاص علیه زنان را جنایت علیه بشریت توصیف نموده است.<sup>۳</sup> همچنین صدور حکم اعدام برای اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم، کمتر از هجده سال داشته‌اند و اجرای حکم اعدام نسبت به زنان باردار و مادران کودکان خردسال ممنوع اعلام گشته است.<sup>۴</sup>

۱. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹.

۲. ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

۳. ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری: «تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحش‌ای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری و هر نوع خشونت جنسی دیگر در همین حد و اندازه جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود».

۴. ماده ۶ پروتکل الحاقی دوم.

### ب. وظایف دولت‌ها در مخاصمات مسلحانه داخلی

این تعهد دولت در حفظ امنیت فردی انسان‌ها در خلال مخاصمات مسلحانه، در دنیای معاصر با توجه به دگرگونی سطح مخاصمات از سطح بین‌المللی به سطح داخلی نیازمند توجه جدی دولت است زیرا پس از پایان جنگ جهانی دوم خصوصاً پس از جنگ سرد به تدریج از شمار مخاصمات بین دولت‌ها کاسته و به مخاصمات داخلی افزوده شد. در نتیجه تعهداتی که دولت باید در خصوص انسان‌ها به‌صرف انسان‌بودن آن‌ها و کرامت ذاتی انسانی و حقوق طبیعی و غیرقابل سلب آن‌ها (اعم از اینکه تبعه دولت باشند یا خیر) رعایت نماید، نیازمند توجه جدی و مراقبت دولت است.

دولت علاوه بر رعایت قواعد مربوط به مخاصمات مسلحانه، باید در خصوص افراد آواره، بی‌خانمان و مهاجرین ناشی از بلای خانمان‌سوز جنگ نیز اقدامات انسانی انجام دهد. در دنیای پر آشوب کنونی که جنگ‌ها طبیعت جدیدی یافته و دنیا پس از سپری نمودن تجربه دو جنگ خون‌بار جهانی و ترس ناشی از جنگ سرد، بیش از هر زمانی درگیر جنگ‌های منطقه‌ای و درون‌کشورها - که اغلب درون کشورهای فقیر صورت می‌گیرد - گشته است، جنگ‌ها به طرز مستقیمی تمامی ابعاد امنیت فردی را تهدید می‌کنند به نحوی که بنابر تعبیر مرکز توسعه سازمان ملل متحد؛ «جنگ‌ها، تغذیه و سلامت عمومی را تهدید می‌کنند، به سیستم آموزشی آسیب می‌زنند، معاش افراد را ویران می‌نمایند و چشم‌انداز رشد اقتصادی را کند می‌سازند. در حالی که اهداف توسعه هزاره، دورنمایی برای پیشرفت به سمت رهایی از نیاز را در نظر گرفته است، دنیا هنوز فاقد دستور کار منسجمی برای تحقق رهایی از ترس است»<sup>۱</sup>. دولت باید با توجه به ابعاد وخیمی که جنگ برای امنیت فردی دارد، به پیشگیری از وقوع جنگ چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی اهتمام ورزد. توجه به واقعیت تلخ جنگ که در آمارهای ذیل رخ می‌نمایند: «جهان در سال ۱۹۹۲ درگیر ۵۵ و در سال ۱۹۹۸ درگیر ۳۶ مخاصمه درون‌مرزی بوده است، تعداد قربانیان درگیری‌های داخلی در سال ۱۹۹۰، ۵ میلیون نفر و شمار پناهندگان در سرتاسر جهان در سال ۱۹۹۸، ۱۰ میلیون نفر و آوارگان درون مرزهای ملی به ۵ میلیون نفر رسید؛<sup>۲</sup> و توجه به این واقعیت تلخ‌تر که ابعاد نقض حقوق بشر در این مخاصمات بسیار بیش از آمارهای موجود است چرا که هیچ آماری از شکنجه و تجاوز که نقض بارز حریم شخصی

1. United Nations Development Programme, *Human Development Report* (New York: Oxford University Press, 2005).

2. United Nations Development Programme, *Human Development Report* (New York: Oxford University Press, 2000).

هستند در دسترس نیست، همگی حکایت از اهمیت توجه به کارکرد انسانی دولت‌ها در پیشگیری از نقض امنیت شخصی افراد در مخاصمات مسلحانه دارند. در مجموع با توجه به آثار مخرب جنگ، دولت موظف است نه تنها از پدید آمدن مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جلوگیری نماید، بلکه زمینه به وجود آمدن مخاصمات مسلحانه داخلی یا اعمال خشونت توسط گروه‌های مسلح را از بین ببرد و در صورت وقوع چنین پدیده‌هایی، سعی در کاهش آثار مخرب انسانی آن از حیث رعایت قواعد رفتار انسانی با نظامیان، آوارگان و پناهجویان نماید.

پدیده شوم جنگ در برهه کنونی که چهره خود را در قالب مخاصمات مسلحانه داخلی می‌نمایاند، موجب پدیداری ابعاد جدیدی از نقض امنیت فردی شده است به گونه‌ای که به دلیل ماهیت خاص این مخاصمات، غیرنظامیان به هدف‌های اصلی طرف‌های مخاصمه بدل شده‌اند و نوعی «خشونت بی حساب» علیه نظامیان طرف مقابل و غیرنظامیان اعمال شده است که نظیر این خشونت در مخاصمات بین‌المللی کمتر دیده می‌شود. بروز این سطح وسیع از خشونت و نقض امنیت فردی در این مخاصمات (نظیر بوسنی و هرزگوین، رواندا و کنگو) از آن جهت است که از سویی به دلیل آشنابودن طرف‌های درگیر با یکدیگر و اینکه اساساً گاهی هدف از مخاصمه، نابودی کل گروه جمعیتی طرف مقابل است، طرفین، خشونت فراوانی علیه یکدیگر اعمال می‌کنند و از سوی دیگر به دلیل شرکت گروه‌های مسلح غیر از قوای رسمی نظامی در این مخاصمات، اعمال قواعد بشردوستانه بسیار دشوارتر از مخاصمات بین‌المللی است.<sup>۱</sup>

بعد مهم دیگر وظیفه دولت‌ها در خصوص مخاصمات مسلحانه داخلی (و گاه بین‌المللی) در خصوص تلفات انسانی این گونه مخاصمات است که به صورت غیرمستقیم و در مکانی غیر از صحنه اصلی نبرد رخ می‌دهد. گرچه طبق ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو انتقال یا تبعید غیرنظامیان ممنوع اعلام گشته است، آواره شدن جمعیت غیرنظامی در پی مخاصمه مسلحانه، امری قهری و اجتناب‌ناپذیر است. پناهجویان و آوارگان مخاصمات مسلحانه که به دلیل شرایط اضطراری و خاصی که برای آنان پدید آمده است معمولاً از حداقل استانداردهای زندگی برای بقا و ادامه حیات برخوردار نیستند و در معرض جدی‌ترین آسیب‌ها به حیات و تمامیت جسمانی خویش قرار دارند، به حمایت دولت‌ها در جهت حفظ امنیت فردی خویش نیاز دارند.

۱. جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، حقوق بشر دوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی (تهران: میزان، ۱۳۸۴) صص ۲۳-۲۰.

با توجه به اهمیت وضعیت پناه‌جویان در شرایط مخاصمات مسلحانه است که دولت‌ها مکلف شده‌اند برای پیشگیری از در معرض آسیب قرار گرفتن<sup>۱</sup> حیات افراد انسانی، آزادی عبور جهت حمل محموله‌های دارو و لوازم بهداری را که جهت سکنه غیرنظامی (حتی سکنه غیرنظامی جمعیت کشور دشمن) ارسال می‌شوند تضمین نمایند و از گرسنه‌نگه داشتن غیرنظامیان به‌عنوان یک روش جنگی منع شده‌اند.<sup>۲</sup>

حفظ کرامت ذاتی انسان‌ها در برابر شکنجه، جرایم جنگی و جرایم خشونت‌بار درون جامعه یکی از جلوه‌های اصلی چهره انسانی دولت است و حفظ امنیت شخصی افراد انسانی در برابر این آسیب‌ها نیازمند نگرستن به این امر از دریچه‌ای انسانی است. دولتی که در راستای حفظ امنیت فردی انسان‌ها برنامه‌ریزی می‌نماید باید همواره به این شرایط که در آن، این بُعد مهم از امنیت انسان‌ها در معرض آسیب قرار می‌گیرد توجه داشته باشد.

### نتیجه

وظیفه سنتی دولت‌ها در حفظ امنیت فردی انسان‌ها با توجه به تحولات دنیای نوین در دو بُعد مهم تحول یافته است: در این راستا تعهد دولت از جنبه ماهیت و گستره تعهد متحول گشته است، بدین معنا که از یک سو این تعهد جنبه ایجابی یافته و از سوی دیگر این تعهد دولت‌ها جنبه‌ای فراملی یافته است.

نخستین تحول مهم در وظیفه دولت‌ها در این خصوص این است که دولت علاوه بر آنکه ملزم به تعهد سلبی (منفی) در خصوص امنیت فردی اتباع خویش یعنی متعهد به عدم تعرض به حریم فردی و شخصی آنان است و ملزم است هرگونه تجاوز انسان‌ها به امنیت شخصی دیگران را مجازات نماید، همچنین ملزم به تعهد ایجابی (مثبت) در این خصوص نیز هست. در این معنا دولت مکلف است با سیاست‌گذاری فرهنگی، اجتماعی و جنایی خویش، از هرگونه تجاوز به امنیت شخصی انسان‌ها پیشگیری نماید و به بیان دیگر با استفاده از تمامی ابزارها و امکانات خویش، امنیت فردی آنان را حفظ نماید و به‌خصوص در شرایطی که امنیت فردی انسان‌ها در معرض آسیب قرار می‌گیرد مانند مخاصمات مسلحانه به‌صورت ویژه‌ای حفظ امنیت فردی را مدنظر قرار دهد. به بیان دیگر در دنیای معاصر، صرف تأکید بر جنبه سلبی تعهد دولت در تعهد

۱. ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو: «هر دولت متعهد به محموله‌های دارو و لوازم بهداری که منحصرأ برای سکنه غیرنظامی دولت متعهد دیگر حتی دشمن فرستاده شود، آزادی عبور خواهد داد. همچنین دولت متعهد به هرگونه محموله خواروبار ضروری، پوشاک و مواد مقوی مخصوص کودکان کمتر از پانزده سال و زنان باردار یا تازه‌زا آزادی عبور خواهد داد».

۲. ماده ۱۴ پروتکل الحاقی دوم.

دولت به حفظ امنیت فردی اتباع خویش کفایت نمی‌کند و جنبه مثبت و ایجابی وظیفه دولت‌ها که بیانگر وظیفه دولت در سیاست‌گذاری در جهت تأمین امنیت اتباع است، به‌نوعی تکمیل‌کننده کارکرد دولت‌ها در حفظ امنیت فردی اتباع خویش است.

تحول مهم دیگر در تعهد دولت‌ها در خصوص امنیت فردی، فراتر رفتن تعهدات دولت‌ها از صرف افراد انسانی تبعه خویش و تسری بسیاری از تعهدات دولت‌ها در عدم نقض و حتی حفظ و برقراری امنیت فردی برای اتباع دیگر دولت‌ها و به بیان دیگر برای تمامی افراد انسانی از جمله پناه‌جویان، آوارگان جنگی، مصدومان حوادث و بلایای طبیعی و افرادی از این دست است که در این خصوص می‌توان از تعهد جهانی دولت‌ها به حفظ امنیت فردی انسان‌ها سخن گفت.

تغییر محور امنیت از دولت‌ها به انسان‌ها به تحول بنیادین وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فرد اتباع خویش منتهی می‌شود. در همین راستا تلاش برای تأمین و تضمین امنیت فردی در پرتو تغییر محور و مرکز ثقل امنیت، از امنیت دولت به امنیت انسان‌ها، موجب تغییر بنیادین در جایگاه و نقش دولت‌ها می‌شود. تحول در نقش مهم دولت در حفظ امنیت فردی با تأکید بر تضمین توأمان دو حق بشری حق بر امنیت و حق بر تأمین موجب گذار از دولت امنیت‌مدار به دولت کرامت‌مدار و پدید آمدن چهره‌ای انسانی از دولت می‌شود. این امر با تعهد جهانی دولت‌ها به تضمین حقوق انسانی و تأمین امنیت انسانی، مسیر را برای ایجاد جهانی مبتنی بر نوع‌دوستی، مساوات و کرامت‌مداری هموارتر می‌کند.



## منابع

### الف) فارسی

#### کتاب و مقالات

- ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، چاپ دوم (تهران: میزان، ۱۳۹۱).
- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه: محمد آشوری و علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱).
- اسماعیل‌پور، حامد، حق آزادی و امنیت شخصی در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر (تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹).
- پاک‌نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک‌مدار (تهران: میزان، ۱۳۸۸).
- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه: مرتضی کلانتریان، چاپ پنجم (تهران: آگه، ۱۳۸۹).
- شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (تهران: میزان، ۱۳۹۰).
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۸).
- غلامی، حسین، «اصل حداقل بودن حقوق جزا» (۱۳۹۱) شماره ۲، نشریه پژوهش حقوق کیفری.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر (تهران: دفتر دوم، شهردانش، ۱۳۸۸).
- قاری سیدفاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، چاپ دوم (تهران: شهردانش، ۱۳۸۸).
- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم (تهران: میزان، ۱۳۸۶).
- ممتاز، جمشید و امیر حسین رنجبریان، حقوق بشر دوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی (تهران: میزان، ۱۳۸۴).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره امنیت‌شناسی، دیپاچه بر مدیریت انسان‌مدار یک جرم، سودابه رضوانی (تهران: میزان، ۱۳۹۱).
- هابز، توماس، لویاتان، ترجمه: حسین بشیریه (تهران: نی، ۱۳۸۰)

### قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ با اصلاحات ۱۳۶۸/۵/۶، منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۰۱۷۰ مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱ و روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۵۷ مورخ ۱۳۶۸/۶/۶.

- قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده و در روزنامه رسمی شماره ۱۹۸۷۳ مورخ ۱۳۹۲/۳/۶ منتشر شده است.
- قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۱۱ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۸، مدت ۳ سال اجرای آزمایشی و یک سال تمدیدی به موجب روزنامه رسمی شماره ۱۶۸۱۷ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۹.
- قانون اساسی کانادا، ترجمه: مهدی رستگاراصل (تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۸).
- قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، ترجمه: دفتر توافقی‌های بین‌المللی (تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۸).
- قانون اساسی اسپانیا، ترجمه: دفتر توافقی‌های بین‌المللی، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۸۱.
- قانون اساسی فدراسیون روسیه، ترجمه: الهه کولایی (تهران: دادگستر، ۱۳۷۷).

#### اسناد بین‌المللی

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۸.
- منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۶۶.
- اعلامیه حقوق بشر تهران مصوب ۱۹۶۸.

#### ب) انگلیسی

##### Books

- Phillis R. Pomerantz, *Development Theory* (London: SAGE Publications, 2011).

##### b) International Conventions and Declarations.

- Copenhagen Declaration on Social Development, March 1995
- Declaration on The right to Development, 4 December 1986, General Assembly.

c) Court Sentences

- European Court of Human Rights, Akdemiz and others v. Turkey, No 23954/94, 2001
- European Court of Human Rights, Kurt v. Turk, No 24 276/94 , 1998.

d) International Reports

- United Nations Development Programme, Human Development Report (New York: Oxford University Press, 1994).
- United Nations Development Programme, Human Development Report (New York: Oxford University Press, 1999).
- United Nations Development Programme, Human Development Report (New York, Oxford University Press, 2000).
- United Nations Development Programme, Human Development Report (New York: Oxford University Press, 2005).
- World Bank, World Development Report (New York: Oxford University Press, 2000/2001).

